

شادی

گوهر شاهوار شاهنامه

بررسی روان‌شناسانه غم و شادی در شاهنامه فردوسی

کامبیز فتحی لوشانی

سرشناسه : فتحی لوشانی، کامبیز، ۱۳۴۴ -
 عنوان و نام پدیدآور : شادی، گوهر شاهوار شاهنامه: بررسی روان‌شناسانه غم و شادی در شاهنامه فردوسی/ کامبیز فتحی‌لوشانی.
 مشخصات نشر : قزوین: سایه‌گستر: مهرگان دانش
 مشخصات ظاهری : ۲۵۷ ص.
 شابک : 978-600-374-148-5
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه -- نقد و تفسیر
 موضوع : شعر فارسی -- قرن ۴ ق. -- تاریخ و نقد
 موضوع : ادبیات فارسی -- جنبه‌های روان‌شناسی
 موضوع : شادی در ادبیات
 رده بندی کنگره : PIR ۴۴۹۷/۹، ۲/۱۳۹۳
 رده بندی دیوین : ۲۱/۱۸۸
 شماره کتابشناختی ملی : ۳۶۴۰۵۳۰

انتشارات سایه گستر
 www.sayegostar.com

انتشارات مهرگان دانش
 mehregan.danesh@yahoo.com

آدرس: قزوین، چهارراه نادری، جنب داروخانه فرهنگ، پلاک ۱۰، طبقه ۱۰
 ۰۲۸-۳۳۲۲۵۲۰۵-۲۲۲۸۰۲۳

شادی گوهر شاهوار شاهنامه

- مؤلف: کامبیز فتحی لوشانی
- ناشر: سایه گستر - ناشر همکار: مهرگان دانش
- ویراستار: قوام‌الدین خرمشاهی
- صفحه‌آرا: اکرم شالی
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۷۴-۱۴۸-۵
- لیتوگرافی و چاپ: عمران

ارتباط با مؤلف: ۰۹۱۲۵۸۱۴۶۲۳ - E-mail: kambiz.fathi44@yahoo.com

مقدمه

فصل اول: کلیات

۲.....	آشنایی مختصری با فردوسی و شاهنامه
۴.....	ویژگی های شاهنامه
۶.....	ستایشگران فردوسی
۸.....	دوره ی اساطیری
۸.....	عهد پهلوانی
۹.....	دوره ی تاریخی
۱۱.....	ویژگی های انسان کامل در حماسه ها، اساطیری و ملی فارسی
۱۵.....	روان شناسی و شاهنامه
۱۷.....	غم و شادی چیست؟
۱۸.....	عوامل ایجاد شادمانی از نظر روان شناسان
۱۹.....	عوامل ایجاد غم از نظر روان شناسان
۲۱.....	تعدادی از ویژگی های افراد غمگین
۲۲.....	چرایی نپرداختن به تحقیق درباره ی غم و شادی در شاهنامه
۲۴.....	فردوسی کدام غم و شادی را توصیه می کند؟
۲۸.....	چرا شاهنامه زیباست؟

- ۳۱..... فرق لذت و آلام جسمانی و روحانی
- ۳۴..... نگاه فردوسی به موضوع جبر و اختیار
- ۳۴..... سه مکتب کلامی موجود درباره‌ی جبر و اختیار
- ۳۷..... چرا فردوسی حماسه را انتخاب می‌کند؟

فصل دوم عوامل ایجاد شادمانی در شاهنامه

- ۴۰..... عوامل شادمانی در شاهنامه
- ۴۳..... موسیقی
- ۴۹..... انواع سازهای تاریخ ایران
- ۵۰..... مهم‌ترین سازهای به کار رفته در شاهنامه
- ۵۳..... جشن
- ۵۴..... تصحیح یک اشتباه درباره‌ی جشن
- ۵۷..... جشن نوروز
- ۵۷..... چهارشنبه سوری
- ۵۷..... واقعیت‌های چهارشنبه سوری
- ۶۰..... جشن ازدواج
- ۶۳..... هدیه
- ۶۵..... دوستی
- ۷۱..... ازدواج و انتخاب همسر
- ۸۰..... مال و ثروت و مواهب دنیایی
- ۸۳..... جوانی
- ۸۴..... بهلولانی

شراب.....	۸۶
خرد.....	۹۱
دین.....	۹۵
اعتقاد به سرای دیگر.....	۱۰۰
عدل و دادگری.....	۱۰۲
مردمی.....	۱۰۶
دوری از مردم آزاری.....	۱۰۸
امنیت.....	۱۱۰
امید.....	۱۱۲
اعتدال و میانه روی.....	۱۱۳
فره‌ی ایزدی.....	۱۱۴
خوش بینی.....	۱۱۷
تحمل رنج و سختی.....	۱۲۰
صبر و بردباری.....	۱۲۳
راستی.....	۱۲۵
دانش.....	۱۲۷
هنر.....	۱۲۹
نیک‌نامی.....	۱۳۱
سخنوری.....	۱۳۳

فصل سوم: انعکاس شادی در شاهنامه

خنده.....	۱۴۰
خنده از روی شادی.....	۱۴۱

۱۴۵.....	خنده از روی تمسخر
۱۴۷.....	خنده‌های مصنوعی
۱۴۸.....	سرخ‌ی صورت از (زیبا شدن)
۱۵۰.....	گریه‌ی شوق
۱۵۲.....	شکار
۱۵۳.....	رقص
۱۵۵.....	دست افشانی
۱۵۵.....	آراستگی و نویدن لباس

فصل چهارم: عوامل غم در شاهنامه

۱۵۸.....	عوامل غم در شاهنامه
۱۶۵.....	مرگ
۱۷۱.....	دنیاطلبی
۱۷۵.....	فقر (درویشی)
۱۷۹.....	پیری
۱۸۱.....	کاهلی (تنبلی)
۱۸۶.....	رشک (حسادت)
۱۸۸.....	بیداد (ظلم)
۱۹۱.....	جنگ
۱۹۸.....	خفت و خیز با زنان (شهوت پرستی)
۲۰۵.....	دروغ

۲۰۹.....	خسبیس بودن (بخیلی)
۲۱۱.....	غرور
۲۱۴.....	تندی (خشم)

فصل پنجم: انعکاس غم در شاهنامه

۲۲۱.....	سوگواری
۲۲۷.....	گریه و زاری کردن (مویه کردن)
۲۲۹.....	پوشیدن لباس سیاه
۲۳۱.....	خاک بر سر ریختن
۲۳۲.....	پاره کردن لباس ها
۲۳۴.....	کندن موی و خراشیدن صورت
۲۳۵.....	نپوشیدن لباس تازه
۲۳۶.....	دوری از بزم و جشن و گوش نکردن به موسیقی
۲۳۶.....	موی بر میان بستن
۲۳۸.....	زَنارِ خونین بر میان بستن
۲۴۲.....	ناامیدی
۲۴۳.....	بیماری
۲۴۵.....	سیاه شدن چهره
۲۴۶.....	زرد شدن چهره
۲۴۷.....	خودکشی
۲۵۱.....	غم پایان نامه
۲۵۳.....	فهرست مآخذ
۲۵۷.....	آثار چاپ شده از همین مؤلف

مقدمه

خنده بر لبانش خشک نمی‌داد، رخ لیل، سنگین و با وقار بود. سفره‌اش پهن بود و دور و برش شلوغ. سیب و شکلاتی که همیشه در جیبش داشت، نمی‌گذاشت کسی متوجهی دست خالی او گردد.

بیشتر به فکر مردم بود. آب لوله‌کشی، برق، حکم عمومی و برای روستا، از زحمات بی‌دریغ او بود. مونس تنهایی و بیداری شب‌هایش چند کتاب بزرگ و جلد چرمی رنگ و رورفته بود که سختی‌های زندگی را برای او آسان می‌کرد.

زیر نور کم فروغ چراغ گردسوز، چهره‌ی پهلوانی ستبر که سال‌ها کشتن دیوی بود توجه‌ی ما را هم جلب می‌کرد. پدرم می‌گفت که این پهلوان بزرگ ایران، رستم است. از همان زمان بود که رستم به عنوان یک پهلوان بزرگ در ذهن ما نقش بست و زمانی ارزش شاهنامه در نظرمان دو چندان شد که بعد از مرگ پدر در سال ۱۳۵۶، دیدیم که تاریخ توگد همه‌ی ما و بسیاری از حوادث دیگر در حاشیه‌ی شاهنامه نوشته شده است.

کم کم وقتی که بزرگ شدیم و وارد عرصه‌های سخت زندگی شدیم، تازه به یاد او افتادیم که با این همه مشکلات و سختی، رمز موفقیت و شادابی او چه بود؟ بعد از تأمل فراوان، چیزی را نیافتیم جز مأنوس بودن با قرآن و شاهنامه. همین موضوع، عامل اصلی علاقه و تمایل من شد به شاهنامه و ادبیات که بعد از چند بار تغییر رشته در نهایت با تحصیل در رشته ادبیات، آرام گرفتم و در زمان تحصیلم، شورو شوق و عشق و علاقه‌ی دو استاد بزرگوارم، سرکار خانم گیتی تجربه‌کار در دانشگاه گیلان و دکتر اسماعیل قافله‌باشی در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین عاملی شد که موضوع پایان‌نامه‌ی خود را شاهنامه انتخاب کنم.

دلیل انتخاب غم و شادی در شاهنامه هم به خاطر آن بود که معتقدیم، انسان برای شادمانی و آرامش، آفریده شده است نه درد و رنج و غم، البته شادی‌هایی که با فطرت انسانی و آفرینش الهی سازگاری داشته باشد و نتیجه آن غم و اندوه نباشد. ولی در گذر زمان، احساسات فطری انسان به گرامه‌شی سپرده شده است و برای احیای دوباره‌ی شادی‌ها هیچ چاره‌ای جز برگشتن به رطاب‌ت انسان وجود ندارد. برای آشنایی و آشتی انسان با فطرت پاک خود، چاره‌ای جز بازگشتن به گذشته‌ی انسان وجود ندارد.

احساسات، عادات، فرهنگ اصیل انسانی و اسلامی از گذشته‌های خیلی دور، همه در شاهنامه به زیبایی به تصویر کشیده شده است. باید ترخه کرد که راه درست زندگی آموختنی است و به همین خاطر در کلاس درس فردوس، شاهنامه حاضر شدیم که حاصل درسمان را به مردمی ارائه کنیم که با تمام وجود در جست‌وجوی داشته و آرزوی شادمانی برای آن‌ها داریم. شاید اولین سرمشق این آموزگار و اندرر حکیمانی او برای ما این باشد که:

بکوشید تا رنج‌ها کم کنید دل غمگنان شاد و خرم کنید

سال‌ها با ادای ادب، در پای درس این حکیم فرزانه نشسته و دل در فهم درست فرامین او دادیم ولی در پستی و بلندی‌های روزگار و تجربیات بسیار، دریافتیم که:

دامن شادی چو غم آسان نمی آید به دست

پسته را خون می شود دل، تا لبی خندان کند

و از آن مهم تر، تجربه کردیم که هرگز نباید ناامید و دلسرد بود چرا که:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

همه ی این عوامل ما را واداشت که به تحقیق در شاهنامه با موضوع غم و شادی بپردازیم و این اثر، حاصل چند سال از شیرین ترین تجربیات ما با شاهنامه و فردوسی شد.

چون تحقیق به صورت موضوعی انجام می گرفت شواهد و ابیات فراوانی از آثار مختلف جمع آوری شد که در نهایت باید با یکی از نسخه های شاهنامه هماهنگ می شد و به خاطر وجود کشتن ابیات، نسخه ی ۶ جلدی دکتر دبیرسیاقی به عنوان نسخه ی تحقیق انتخاب شد. ولی در بررسی ابیات، میان نسخه ی چاپ مسکو و دبیرسیاقی تفاوت های زیادی بود که در بعضی از موارد ابیات چاپ مسکو را مناسب تر دیدیم و به همین خاطر از تغییر کلمات از ابیات صرف نظر و به ارائه ی آدرس اکتفا کردیم. تعدادی از ابیات هم در نسخه ی دبیرسیاقی است نشد که مجبور شدیم شاهنامه ی چاپ مسکو را به عنوان نسخه ی دوم انتخاب نماییم و این گونه ابیات به صورت «ستاره دار» مشخص شده اند.

علاوه بر شماره ی ابیات، موضوع هر داستان یا سرفصل آن، بیان گردیده تا با کمی پس و پیش بودن ابیات، با همه ی نسخه های شاهنامه قابل تطبیق باشد.

در پایان از همه عزیزانی که در این تحقیق، ما را یاری کردند و مشوق ما بودند کمال تشکر را داشته و از خداوند منان برای آنان آرزوی سلامتی و شادابی مسألت می نمایم از جمله:

۱- دکتر اسماعیل قافله باشی به عنوان استاد راهنما که با بزرگواری و صبر و حوصله ی وصف ناپذیر ما را یاری نمودند.

۲- دکتر رضا سمیع زاده به عنوان استاد مشاور که بر ما منت نهادند و با تیزی و درایت به مطالعه‌ی کامل پایان نامه به ویژه ابیات آن پرداختند و علاوه بر رفع بسیاری از عیوب ابیات، تذکرات ارزشمندی ارائه نمودند.

۳- استادان بزرگوارم آقایان، دکتر خالقی، دکتر صفاری، دکتر آذرمینا، دکتر انصاری، دکتر کسایی، دکتر محمدی، دکتر سرداگی که از راهنمایی‌های آن عزیزان بهره‌های زیادی بردم.

۴- برادر بسیار ارجمندم جناب آقای قوام‌الدین خرمشاهی که بر ما منت نهادند تصحیح و ویراستاری این اثر را برعهده گرفتند و از پیشنهادهای ارزشمند و حسن ظن ایشان تشکر فراوان دارم.

۵- خانم اکرم مالی با جهت‌تایپ و صفحه‌آرایی و صبر و حوصله فراوانی که در این امر نمودند.

خداوندا ما را زیر سایه‌ی رحمت خود و آن‌هایی که در پناه تو به بزرگی رسیده‌اند از تمام بدی‌ها و گزندها حفظ گران. که:
کسی کو شود زیر نخل بلند همان سایه زو باز دارد گزند

بهمن ماه ۱۳۹۳ خورشیدی
کامبیز فتحی لوشانی